

گویش سنجی رایانشی تنوعات زبان گونه‌های تالشی در کرانه جنوب باختری دریای خزر

۱- بهروز قسمت‌پور*؛ ۲- علی رضاقلی فامیان**؛ ۳- سیف‌الله ملایی پاشایی***؛
۴- نرجس بانو صبوری****

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲- دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳- استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴- دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹)

چکیده

گویش سنجی گرایشی نوین و برآمده از گویش‌شناسی کلاسیک است که در آن تفاوت‌ها و تمایزات میان گویش‌های مختلف در ناحیه‌ای به صورت آماری محاسبه شده و با استفاده از نقشه‌ها و اطلس‌های گویشی بازنمایی می‌شود. در پژوهش حاضر محققان کوشیده‌اند بر اساس روش تحلیل انبوه داده‌های گویشی و با بهره‌گیری از بسته نرم‌افزاری گویش سنجی و نقشه‌نگاری RuG/L04، چشم‌اندازی از تنوعات آوایی و واژگانی مناطق تالش زبان استان گیلان به همراه دستگاه آوایی گونه‌های زبانی رایج، ارائه دهد. جامعه آماری این پژوهش ساکنین آبادی‌های پنج شهرستان تالش زبان استان گیلان، یعنی شهرستان‌های تالش، رضوانشهر، ماسال، فومن و شفت بوده است. از هر شهرستان ۱۰ روستای بالای ۱۰۰ خانوار که زبان محلی آن‌ها تالشی است، انتخاب شده‌اند. گویشوران افراد ذکور این روستاها بودند که در سه رده سنی نوجوانان، میانسالان و سالمندان قرار داشته‌اند. روش جمع‌آوری داده‌ها، استفاده از پرسش‌نامه زبانی لاپزیک و سوادش مشتمل بر ۶۵ واژه و ۷ جمله بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گویشوران زبان تالشی در تلفظ برخی واژه‌های حوزه‌های دادگان پژوهش، شباهت آوایی و واژگانی دارند و در برخی حوزه‌های دیگر تفاوت‌هایی دارند. همچنین سن گویشوران در استفاده از واژه‌های اصیل زبان محلی خود تأثیر دارد و در سنین پایین، گرایش به فارسی معیار بیشتر است. به‌طور کلی، سه گویش برای زبان تالشی متصور است که هر گویش دارای گونه‌های زبانی متعددی است که از تنوع آوایی و واژگانی برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: گویش سنجی، گونه‌های زبانی، تحلیل انبوه، زبان تالشی، استان گیلان.

*E-mail: b_ghesmatpoor@yahoo.com

**E-mail: famianali@pnu.ac.ir (نویسنده مسئول)

***E-mail: s_mollaye@pnu.ac.ir

**** E-mail: n.sabouri@gilan.pnu.ac.ir

۱. مقدمه

اصطلاح «گویش» اغلب برای صورت‌های زبانی به ویژه آن‌هایی که در نقاط دور دست جهان تکلم می‌شوند، به کار می‌رود و «گویش‌شناسی» مطالعه و بررسی این صورت‌های زبانی است (Chambers & Trudgill, 2004: 3).

پژوهش‌های گویش‌شناسی عموماً پراکندگی واژه و آوای معینی را در ناحیه‌ای جغرافیایی نشان می‌دهند و بر مبنای همین مطالعات، اطلس‌های گویشی تهیه می‌شود، اما در گویش‌سنجی از ابزارهای آماری نوین و نیز از رایانه برای تحلیل کمی تمایزات بهره می‌گیرند. پژوهش‌های گویش‌سنجی سابقه و قدمت زیادی ندارند. می‌توان گویش‌سنجی را روشی کمی در گویش‌شناسی تعریف کرد که به محاسبه رایانشی تفاوت‌های گویشی در دادگانی بزرگ می‌پردازد و نتایجی بدون سوگیری فردی با پایایی و روایی قابل قبول ارائه می‌دهد (Goebel, 2010; Heeringa, 2004).

زبان‌ها و گویش‌های ایرانی خانواده واحدی را تشکیل می‌دهند که از یک اصل مشترک منشعب شده‌اند. اشتراک واژه‌های بنیادی و اصول ساخت دستوری این زبان‌ها برهان خویشاوندی آن‌هاست. این منبع واحد که تمام زبان‌ها و گویش‌های ایرانی از آن مشتق شده‌اند، به‌طور قراردادی «ایرانی مشترک» نامیده شده است که از آن هیچ سند مکتوبی باقی نمانده است (ارانسکی^۱، ۱۳۷۸: ۲۷).

زبان تالشی همانند هر زبان دیگری از عناصر اصلی فرهنگ مردم تالش زبان است و حفاظت از آن یکی از مهم‌ترین موارد حفاظت از فرهنگ مردم تالش است. بنابراین، اگر زبان هر ملت و قومی حفظ شود، کمک زیادی به حفظ فرهنگ آن ملت و قوم خواهد شد و بدون پاسداری از زبان، فرهنگ نیز حفظ نخواهد شد و

1. Oran'ski

بدون فرهنگ نیز تمدنی شکل نخواهد گرفت، زیرا تمدن زاینده فرهنگ است. زبان تالشی یکی از زبان‌های کهن در کشور ماست که هنوز رواج دارد و مردمش به آن سخن می‌گویند، ولی خطر نابودی زبان تالشی را تهدید می‌کند، به طوری که نویسندگان در طی جمع‌آوری دادگان پژوهش حاضر کودکانی را در روستاهای تالشی زبان مشاهده کرده‌اند که در محیط خانواده به جای زبان تالشی از زبان فارسی استفاده می‌کنند و این زنگ خطر بزرگی برای زبان‌های محلی، به ویژه زبان تالشی است.

تالشی زبان ایرانی غربی شمالی است. آرایش سازه‌ها همچون فارسی به صورت فاعل - مفعول - فعل است. این زبان فاقد حرف تعریف است و مانند فارسی دارای نشانه نکره‌ی - (i) است. تالشی زبانی ضمیرانداز^۱ است و لذا کاربرد ضمائر فاعلی در آغاز جملات اختیاری هستند.

در راستای حفظ زبان‌های محلی و انجام پژوهش‌های گویش‌سنجی در مورد زبان‌ها و گویش‌های رایج در کشورمان، پژوهش گویش‌سنجی حاضر با گردآوری دادگان گویشی زبان تالشی از طریق پرسش‌نامه^۲ فهرست واژگانی لایپزیک^۳ و سوادش^۴ انجام شده است. این پژوهش برای نخستین بار تنوعات گویشی و پراکندگی جغرافیایی زبان تالشی را در پنج شهرستان استان گیلان بر پایه^۴ «تحلیل انبوه دادگان» ترسیم نموده است.

پژوهش حاضر درصدد دستیابی به اهداف عمده‌ای است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: نکته اول اینکه، انگیزه انتخاب گونه‌های زبانی حوزه پژوهش، افزودن بر غنای مطالعات پژوهشی درباره گویش‌هاست و این نوشتار می‌تواند بر

1. Pro-drop
3. Leipzig
4. Swadesh

حجم دادگانِ گویشی حوزه پژوهش و نیز منابع در دسترس پژوهشگران آتی بیافزاید. دومین هدفی که این پژوهش به دنبال آن است، بهره‌گیری از روش‌های نوین گویش‌سنجی و گویش‌شناسی برای بازنمایی تنوع زبانی، گویشی، و پراکندگی زبان گونه‌های رایج در این ناحیه است که می‌تواند اطلاعات ارزشمندی از تأثیر زبان گونه‌های منطقه بر یکدیگر ارائه دهد. هدفِ سوّم این پژوهش بهبود روش‌های گویش‌شناسی و حرکت از شیوه سنتی به سوی شیوه رایانشی و مدرن و ملموس-نمودن نقش سنجه‌های نوین زبان‌شناسی در ترسیم اطلسِ گویشی است.

در این پژوهش تلاش شده است تا با اتخاذ روشی علمی و نوین، چشم اندازی کمابیش روشن از وضعیت پیوستارِ گویشی حوزه مورد پژوهش در چارچوب پژوهش‌های گویش‌سنجی پدیدار شود و به این پرسش که «چند منطقه گویشی عمده در مورد زبان تالشی در قلمرو پژوهش قابل تصور است؟» پاسخ دهد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در مورد زبان تالشی عمدتاً در حوزه گویش‌شناسی سنتی انجام شده‌اند. اکثر بررسی‌های انجام شده در باره زبان تالشی، توسط محققان و پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی صورت گرفته است. این بررسی‌ها عمدتاً به شکل توصیفی هستند و به بررسی دستور زبان تالشی و واژه‌های آن پرداخته‌اند و از بررسی‌های مبتنی بر زبان‌شناختی، اثر کمتری در آنها مشاهده می‌شود.

اولین اثر مهم در توصیف زبان تالشی از پاول ریس^۱ (۱۸۳۱-۱۸۶۱) است با نام «درباره تالش‌ها، طرز زندگی و زبان آنها» که در شماره سوم مجله انجمن جغرافیایی

1. Pavel Reis

قفقاز، سال ۱۸۵۵، در تفلیس به چاپ رسیده است. مهم‌ترین کتاب در توصیف تالشی شمالی توسط ب.و. میلر^۱، محقق روسی، نوشته شده است و اثر مهم دیگر که اخیراً نوشته شده، کتاب ولفانگ ام. شولتز^۲ با عنوان «تالشی شمالی» است (رضایتی، ۱۳۸۶: ۱۹).

بازن^۳ (۱۹۷۸) دربارهٔ زبان تالشی تحقیقی انجام داد تا مرز جغرافیایی گونه‌های تالشی را روشن نماید. برای این کار مجموعه‌ای از جمله‌های فارسی را به گویشوران با لهجه‌های گوناگون تالشی داد تا آنها را ترجمه کنند. در این تحقیق واژه‌نامکی با ۲۴۰ واژه تالشی تنظیم شده و در آن تفاوت هر واژه در جاهای مختلف بیان شده است.

در جمهوری آذربایجان نیز محققان پژوهش‌هایی دربارهٔ دستور زبان تالشی انجام داده‌اند. در این راه کتاب‌های درسی به زبان تالشی برای کلاس‌های اول تا چهارم توسط ذوالفقار احمدزاده و مظفر نصیرلی و کتاب آواشناسی و صرف از غلامعلی اکبرلی تدوین شده است. عبدالله‌یف نیز در کتاب خود به بررسی و سنجش واژه‌ها و ساخت آوایی زبان تالشی با زبان ترکی پرداخته است (عبدلی، ۱۳۸۰: ۴۷). در ارمنستان نیز، اوچیان (۲۰۱۰)، ضمائر متصل را در گونهٔ عنبرانی بررسی کرده و آساطوریان و بُرجیان (۲۰۰۵) هم به بررسی موقعیت جغرافیایی تالش و ویژگی‌های زبان تالشی و ارتباط آن با سایر زبان‌ها پرداخته‌اند. یارشاطر (۱۹۹۶) نیز به توصیف تالشی اسالمی پرداخته است.

محققان ایرانی نیز بررسی‌هایی در بارهٔ زبان تالشی انجام داده‌اند، که عمدتاً پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری هستند. رضایتی (۱۳۷۰) به توصیف گوش

1. B. V. Miller

2. Wolfgang M. Schultz

4. Marcel Bazin

تالشی اقدام کرده و آن را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده است. رضایتی (۱۳۸۲) به توصیف مصدر و ساختمان آن در زبان تالشی پرداخته است. وی همچنین در اثری که در سال ۱۳۸۶ با عنوان «زبان تالشی، توصیف گویش مرکزی» منتشر شده، به ساخت آوایی، ساختواژه و ساخت نحوی گویش مرکزی زبان تالشی همت گمارده است. نغزگوی کهن (۱۳۷۴) گویش تالشی طاسکوه از توابع شهرستان ماسال را مورد پژوهش و کنکاش قرار داده است. شیخ سنگ تجن (۱۳۸۰) به بررسی عناصر واج‌شناختی گویش تالشی ماسال پرداخته و جنبه‌های مختلف واج‌شناختی تالشی جنوبی را بیان کرده است. حاجت‌پور (۱۳۸۳) ویژگی‌های کلی گویش تالشی را بررسی کرده است. عزیزی نژاد (۱۳۸۴) توصیف وندهای اشتقاقی و تصریفی را در گویش تالشی بخش اسالم، موضوع تحقیق خود قرار داده و وندهای اشتقاقی و تصریفی آن را بررسی نموده است. امیریان (۱۳۸۴)، به توصیف دقیق و علمی بخش‌هایی از زبان تالشی شمالی در قلمرو جغرافیای سیاسی ایران پرداخته است. رحیمی جوکندان (۱۳۸۵) توصیف صرفی یا ساخت‌واژه گویش تالشی جوکندان تالش را مورد تحقیق و واکاوی قرار داده است. پورشفقی (۱۳۸۵) توصیف دستگاه فعل در زبان تالشی را برای تحقیق خود برگزیده است. رفیعی جیردهی (۱۳۸۶) فعل پیشوندی در زبان تالشی را مورد بررسی قرار داده و سبزعلی‌پور (۱۳۸۹) به نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌نشین خلخال اقدام نموده است. میرزاپور (۱۳۹۰)، به بررسی پدیده دو یا چندزبانگی در جغرافیای قومی تالش پرداخته است. دبیرمقدم (۱۳۹۲) به توصیف نحوی زبان تالشی روستای عنبران پرداخته است. کمالی‌عنبران (۱۳۹۶) فرایندهای واجی را در گویش شمالی زبان تالشی گونه عنبرانی بررسی کرده است.

با نگاهی به مطالعات انجام شده می‌توان دریافت که بیشتر این موارد به حوزه صرف و ساخت‌واژه مرتبط هستند و در حوزه‌هایی مانند زبان‌شناسی اجتماعی پژوهشی صورت نگرفته و یا اینکه بسیار اندک بوده است. نکته دیگر اینکه، در هیچ‌یک از مطالعات انجام شده، از روش‌های نوین پژوهش و تحقیق، مثل روش‌های رایانشی استفاده نشده است و همین مسأله ضرورت انجام تحقیق با روش‌های نوین و پیشرفته را دو چندان می‌سازد.

۳. روش پژوهش

در این بخش ضمن توصیف بازه زمانی، قلمرو مکانی پژوهش، داده‌های زبانی مورد استفاده در این مطالعه به روش رایانشی کردن داده‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. بازه زمانی پژوهش

جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از خرداد ۱۳۹۶ تا اسفند همان سال انجام گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا اسامی تمام آبادی‌های پنج شهرستان از فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌های مربوطه تهیه شده و پس از مشخص کردن روستاها و آبادی‌های تالش زبان با مراجعه به دهیاران روستاها و آبادی‌های منتخب، کار جمع‌آوری داده‌ها انجام شده است.

۳-۲. قلمرو مکانی پژوهش

قلمرو مکانی این پژوهش دربرگیرنده پنج شهرستان تالش، رضوانشهر، ماسال، فومن و شفت از شهرستان‌های استان گیلان و روستای تالش زبان عنبران در استان

اردبیل است. این پنج شهرستان که وسعت زیادی از سرزمین گیلان را در بر می‌گیرد، محل سکونت اصلی تالش زبانان به شمار می‌رود.

شهرستان تالش یا طوالش ۲۲۱۵ کیلومتر وسعت دارد و وسیع‌ترین شهرستان استان گیلان به شمار می‌رود. این شهرستان دارای چهار بخش مرکزی، خویق، گرگانرود و آسالم است و تعداد دهستان‌های آن ۱۰ دهستان است و ۳۲۰ روستا یا آبادی دارد که ۱۰۵ روستا و آبادی آن بیشتر از ۱۰۰ خانوار است.

پس از شهرستان تالش، شهرستان رضوانشهر قرار دارد. این شهرستان ۸۰۴ کیلومتر مربع وسعت دارد و بخش‌های آن شامل بخش مرکزی و بخش پره‌سَر است. شهرستان رضوانشهر دارای چهار دهستان و ۱۱۵ روستا و آبادی می‌باشد، که ۴۳ روستای آن ۱۰۰ خانوار یا بالاتر هستند. شهرستان رضوانشهر تا سال ۱۳۷۰ یکی از بخش‌های شهرستان تالش بود و در این سال بر اساس تقسیمات کشوری به شهرستان تبدیل شد.

سومین شهرستان از شهرستان‌های مورد پژوهش، شهرستان ماسال است. این شهرستان ۶۲۲ کیلومتر مربع وسعت دارد و دو بخش به نام‌های بخش مرکزی و بخش شاندرمن دارد. شهرستان ماسال دارای ۴ دهستان است و ۹۳ روستا و آبادی دارد که ۳۸ روستای آن ۱۰۰ خانوار یا بالاتر هستند. شهرستان ماسال نیز تا سال ۱۳۷۰ یکی از بخش‌های تابعه شهرستان تالش بود و در این سال همراه با شهرستان رضوانشهر بر اساس تقسیمات کشوری از تالش جدا شد و به شهرستان تبدیل شد.

شهرستان فومن، چهارمین شهرستان مورد پژوهش است. این شهرستان ۹۳۶ کیلومتر مربع وسعت دارد و دارای بخش مرکزی و بخش سردار جنگل است. این

شهرستان ۲ دهستان و ۱۴۴ روستا و آبادی دارد که ۷۳ روستا و آبادی مشتمل بر ۱۰۰ خانوار و بالاترند.

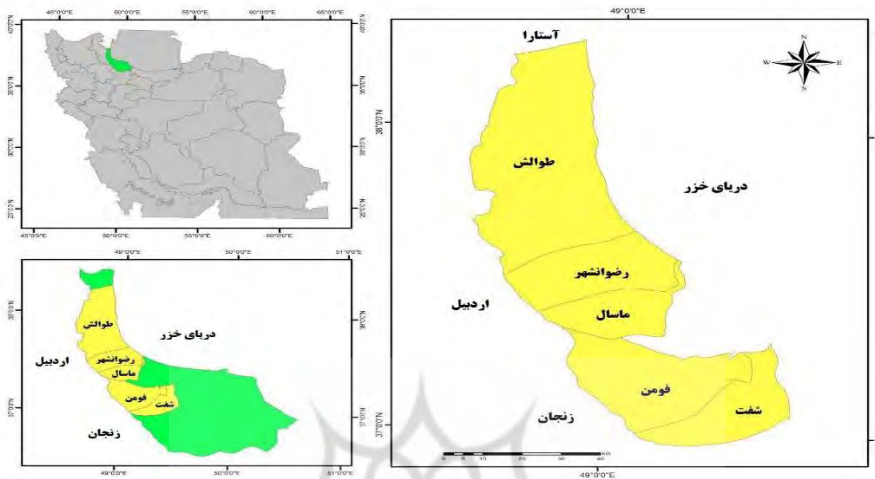
آخرین شهرستان مورد پژوهش، شهرستان شفت است که ۵۸۶ کیلومتر مربع وسعت دارد. این شهرستان دو بخش به نام‌های بخش مرکزی و بخش احمد سرگوراب دارد و دارای چهار دهستان و ۹۴ روستا است که ۶۲ روستا ۱۰۰ خانوار و بالاتر هستند^۱.

شکل (۱) که با استفاده از نرم‌افزار نقشه کشی Arc Map از نرم‌افزار Arc GIS ترسیم شده است، موقعیت جغرافیایی استان گیلان و همچنین موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های قلمرو حوزه پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

علت انتخاب این پنج شهرستان استان گیلان و آبادی‌های آنها برای انجام این پژوهش این بوده که اغلب مردم ساکن در این شهرستان‌ها به ویژه در آبادی‌ها و روستاها به زبان تالشی تکلم می‌کنند. دلیل دیگر این است که یکی از نویسندگان دارای شم زبانی زبان تالشی است.

ابتدا آبادی‌های ۱۰۰ خانوار و بالاتر در پنج شهرستان از سایر آبادی‌ها تفکیک شده‌اند. پس از تفکیک، مشخص شد در تالش ۱۰۴، فومن ۷۳، شفت ۵۸، رضوانشهر ۴۳ و در ماسال ۳۸ آبادی بالای ۱۰۰ خانوار وجود دارد.

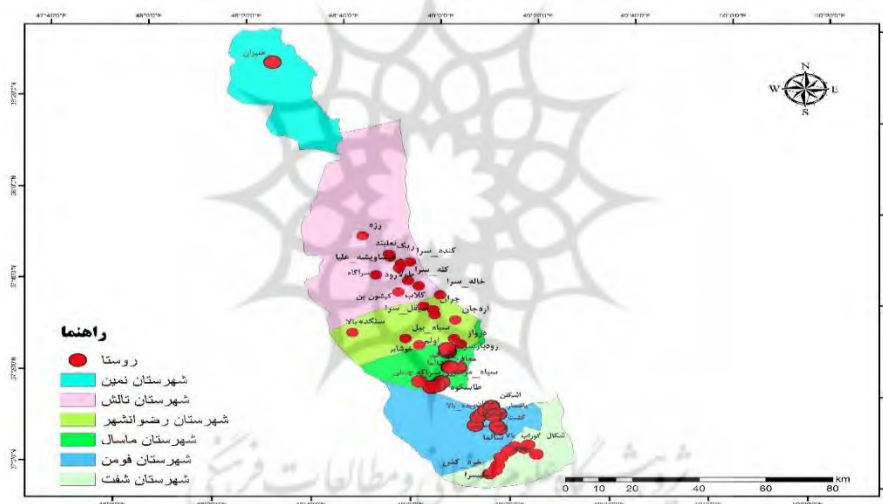
۱. تمامی دادگان جمعیتی و تقسیمات کشوری از سایت www.amar.org.ir بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ گرفته شده است.



شکل (۱): نقشه استان گیلان و موقعیت شهرستان‌های مورد پژوهش

از هر یک از شهرستان‌ها، ۱۰ روستای بالای ۱۰۰ خانوار که ساکنین آنها به زبان تالشی تکلم می‌کرده، انتخاب شده‌اند و روستای تالش زبان عنبران اردبیل هم به تعداد آبادی‌ها افزوده شده است. نحوه انتخاب آبادی‌ها به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده انجام شده است. در این روش، افراد جامعه با توجه به صفات درون گروهی خود به طبقات مختلفی تقسیم می‌شوند و افراد نمونه به تناسب از بین تمامی طبقات انتخاب می‌گردند. با توجه به این روش آبادی‌های هر شهرستان یک طبقه محسوب شده و از هر طبقه تعدادی آبادی به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. در مجموع ۵۱ روستای تالش زبان انتخاب شده و در هر یک از این روستاها سه نمونه گویشی از سه نفر از ساکنین بر اساس متغیر سنی در سه رده سنی نوجوان، میان سال و سالمند تهیه شده است. علت آن مشاهده تأثیر سن در تنوع زبانی بود که در بحث نتیجه‌گیری به آن پرداخته

خواهد شد. در مجموع ۱۵۳ نمونه گویشی ضبط گردیده است. با توجه به محدودیت‌های حاکم بر اجتماع قلمرو پژوهش، مصاحبه از زنان در بسیاری از موارد با مشکل مواجه بوده است. بنابراین، گویشوران مصاحبه‌شونده همگی مرد، بومی و ساکن روستا بوده‌اند. شکل شماره (۲) که با استفاده از نرم‌افزار Arc Map از مجموعه نرم‌افزاری Arc GIS ترسیم شده است، نقشه کامل روستاها و آبادی‌های مورد پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۲: نقشه روستاهای مورد پژوهش

جمعیت این پنج شهرستان بر پایه سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار کشور، ۴۶۹۶۹۷ نفر بر آورد شده است که از این تعداد ۱۷۷۷۰۶ نفر در نقاط شهری و ۲۹۱۹۹۱ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. علاوه بر این،

جمعیت روستای عنبران هم ۷۰۶ نفر برآورد شده است. تمامی روستاها و آبادی‌های قلمرو مکانی پژوهش با زبان فارسی آشنا هستند و آن را می‌فهمند و همگی مسلمان هستند و به کمترین امکانات رسانه‌ای که گیرنده‌های تلویزیونی باشد، دسترسی دارند.

برای گردآوری دادگان و تعیین مکان‌های جغرافیایی، معیارهایی چون همانندی گویشی، بُعد مسافت، تنگناهای پژوهش و گویش‌های منحصر به فرد مد نظر بوده است، به این معنی که تلاش شده آبادی‌هایی انتخاب شوند که نزدیک به هم نباشند و اگر یک آبادی از از تنوع بیشتری برخوردار بوده مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، از هر روستا حداقل با یک و حداکثر با سه گویشور بومی مرد، مصاحبه شده است. مصاحبه‌شوندگان در سه رده سنی ۱۰ تا ۳۰ سال، ۳۱ تا ۵۰ سال و ۵۱ تا ۷۰ سال قرار داشتند و در مجموع، با محاسبه روستای عنبران اردبیل، ۱۵۳ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند. سواد متوسط مصاحبه‌شوندگان دیپلم و مسلط به زبان گونه بومی خود بوده‌اند. شغل آنها دانش‌آموز، کشاورز، کسبه، آزاد و برخی نیز کارمند ثبت شده است.

۳-۳. داده‌های زبانی

در این پژوهش از فهرست واژگانی لایپزیک که از فهرست‌های واژگانی معتبر در مطالعات زبانشناختی است، استفاده شده است. این فهرست دارای ۱۰۰ واژه در حوزه‌ها و مقولات مختلف است، اما از آنجا که برخی مقولات مورد نیاز در پرسش‌نامه لایپزیک موجود نبود، لذا به ناچار از برخی مقولات واژگانی پرسش‌نامه سوادش هم استفاده شده است. در این پرسش‌نامه از ۱۱ مقوله یا حوزه معنایی استفاده شده است مشتمل بر پدیده‌های طبیعت: هشت واژه، اعضای بدن: هشت

واژه، حیوانات: هشت واژه، نسبت خانوادگی: شش واژه، رنگ‌ها: چهار واژه، افعال: شش واژه، مواد غذایی: چهار واژه، صفات: ده واژه، ضمائر: شش واژه، پرسش‌واژه‌ها: پنج واژه، و هفت جمله.

در خصوص جملات تلاش بر این بوده است تا از جملات با ساختارهای نحوی و دستوری متعدد همانند، جملات پرسشی، مالکیتی، تعجبی و غیره استفاده شود. چون در پرسشنامه‌های زبانی نامبرده جمله وجود نداشت، لذا جملات محقق ساخته هستند و با مشورت اساتید این حوزه تهیه شده‌اند. در مجموع در پرسشنامه تحقیق ۶۵ واژه و ۷ جمله مورد استفاده قرار گرفته‌اند و از آنجا که مقرر بوده در ۱۰ مقوله از واژه‌ها استفاده شود، لذا واژه‌هایی انتخاب شده‌اند که در حوزه این مقوله‌های معنایی قرار می‌گرفته‌اند. اگرچه واژه‌های موجود در این پرسشنامه‌ها، در این حوزه‌ها بیش از این تعداد است، اما تلاش شده از واژه‌هایی که فراوانی و تکرار بیشتری دارند، استفاده شود. جدول شماره (۱) مقولات واژگانی مورد استفاده در این پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۱): مقولات مورد استفاده در پژوهش حاضر

| مقوله یا حوزه معنایی | نمونه‌های منتخب |
|----------------------|--|
| پدیده های طبیعت | آب- آتش- سنگ- کوه- باد- ستاره- باران- درخت |
| اعضای بدن | دست- چشم- دهان- زانو- بینی- دندان- استخوان- ناخن |
| حیوانات | سگ- گربه- ماهی- اسب- مورچه- پرنده- گوسفند- گاو |
| نسبت خانوادگی | پدر- مادر- خواهر- برادر- شوهر- زن(همسر) |
| رنگ‌ها | قرمز- سیاه- سفید- سبز |
| افعال | گربه کردن- گاززدن- نوشیدن- خندیدن- گوش کردن- دویدن |
| مواد غذایی | برنج- چای- شکر- نمک |
| صفات | بزرگ- کوچک- دراز- کوتاه- تازه- کهنه- بالا- پایین- گرم- سرد |
| ضمایر | من- تو- او- ما- شما- آنها |
| پرسشواژه‌ها | کجا؟- چه وقت؟- چه کسی؟- چرا؟- چطور؟ |
| جملات | ۱- علی کجاست؟ ۲- تو پسر کی هستی؟ ۳- خانه ما بزرگ است. ۴- چه روز خوبی! ۵- انگور سیاه شیرین است. ۶- این باغ سیب من است. ۷. درسات را بخوان! |

۳-۴. شیوه رایانشی کردن داده‌ها

پس از پیاده‌سازی و استخراج فایل‌های صوتی، با بهره‌گیری از نویسه‌های آی.پی.ای^۱، معادل مواد زبانی پرسش‌نامه یعنی ۶۵ واژه و ۷ جمله آوانگاری شده است. برای آوانگاری همخوان‌ها، واکه‌ها و واجگونه‌های گونه‌های زبانی رایج در حوزه پژوهش زبان تالشی در استان گیلان، جمعاً از ۴۲ نویسه آی.پی.ای استفاده

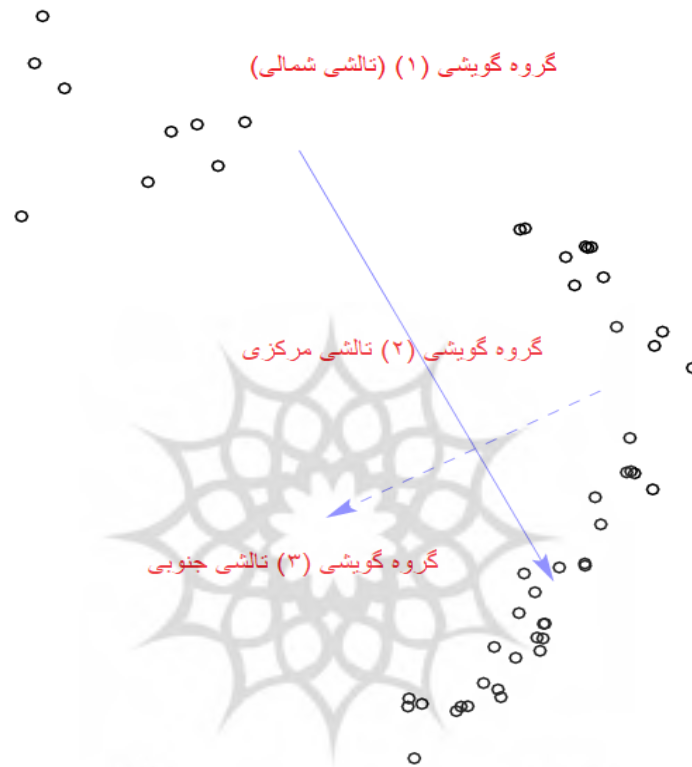
1. International Phonetic Alphabet

شده است. در مرحله بعد تمامی مکان‌های جغرافیایی در نرم‌افزار گوگل ارث^۱ با استفاده از مختصات جغرافیایی آن که قبلاً ثبت شده بود، با یک «مکان نگاشت»^۲ مکان‌یابی شده‌اند.

۴. تحلیل انبوهه دادگان

با استفاده از نرم‌افزار گویش‌سنجی RuG/L04 می‌توان امکانات آماری و تحلیلی متنوعی را بر پایه تحلیل انبوهه دادگان به دست آورد. در واقع این نرم‌افزار امکانات آماری و تحلیلی متنوع و گوناگونی را که شامل نمودارها، نقشه‌ها و سنجه‌هاست، در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. از جمله مهم‌ترین نمودارها و سنجه‌های این نرم‌افزار می‌توان به مقیاس‌گذاری چند بُعدی^۳ و نمودار خوشه‌ای^۴ اشاره کرد. تکنیک مقیاس‌گذاری چند بُعدی، یک روش ریاضی برای تعیین موقعیت اشیاء (زبان یا گویش) در دو یا چند محور در فضای هندسی است. این تکنیک، به لحاظ آماری، پایایی بالایی دارد و در آن، زبان‌گونه‌های بسیار شبیه، نزدیک به یکدیگر و زبان‌گونه‌های بسیار متفاوت، دور از یکدیگر واقع می‌شوند (Kruskal & Wish, 1984). در شکل ۳، که با استفاده از نرم‌افزار گویش‌سنجی ترسیم شده است، مکان جغرافیایی قلمرو پژوهش بر اساس تکنیک مقیاس‌گذاری چند بُعدی به نمایش گذاشته شده است. این نمودار دو بُعدی است و ابعاد آن را «فاصله جغرافیایی» و «فاصله زبانی» تشکیل می‌دهند و گروه‌های گویشی پژوهش را به نمایش می‌گذارد.

-
2. Google Earth
 3. placemark
 4. Multidimensional Scaling(MDS)
 5. dendrogram



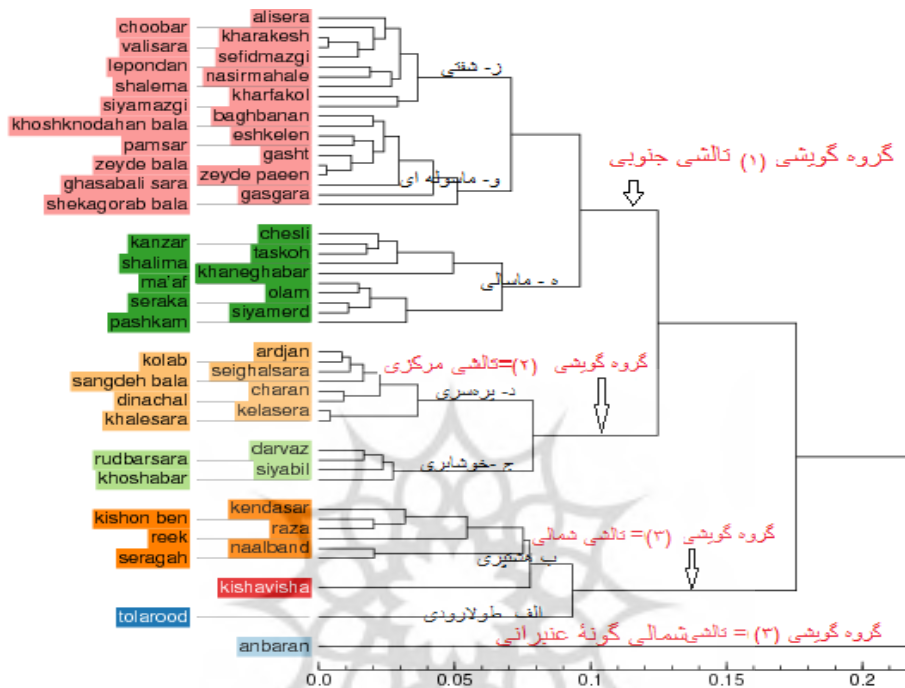
شکل (۳): نمودار مقیاس گذاری چند بُعدی مکان های حوزه پژوهش

همان طور که مشاهده می شود دوری و نزدیکی نقاط از یکدیگر، نشانه تفاوت و تشابه گویشی آنهاست. این نمودار سه گروه گویشی را در مورد زبان تالشی به نمایش می گذارد: گروه گویشی نخست، ۹ آبادی یا مکان جغرافیایی در شهر تالش را دربرمی گیرد که در بین این مکان ها، شمالی ترین نقطه، یعنی روستای عنبران در استان اردبیل قرار دارد و سایر آبادی ها و روستاها در شهرستان تالش قرار دارند. در

گروه گویشی تالشی شمالی فاصله آبادی‌ها از یکدیگر نشانه تفاوت در تلفظ واژه‌های پژوهش است و در مناطق مرکزی که تالشی مرکزی رواج دارد، فاصله آبادی‌ها در برخی آبادی‌ها با هم کمتر شده و نزدیکی بیشتری با هم پیدا می‌کنند که نشان از نزدیکی گویشی‌های این مناطق به یکدیگر است و در مناطق جنوبی نزدیکی نقاط و آبادی‌ها بیشتر از نقاط دیگر است و نشانه نزدیکی و شباهت گویشی زیاد این مناطق است.

به این ترتیب، مشخص شد که با استفاده از نمودار مقیاس گذاری چند بُعدی، سه گروه گویشی در حوزه جغرافیایی استان گیلان در مورد زبان تالشی، قابل تفکیک است. برای تحلیل دقیق تر رابطه این گروه‌های گویشی، با تحلیل انبوهه مجموع ۶۵ واژه و ۷ جمله، نمودار درخت‌نگار مکان‌های قلمرو پژوهش را با استفاده از نرم‌افزار گویش‌سنجی به صورت شکل (۴) ترسیم نموده‌ایم. در این نمودار نیز همانند نمودار مقیاس گذاری چند بُعدی، سه گروه گویشی عمده به دست می‌آید.

بر اساس اطلاعات درخت‌نگار خوشه‌ای در نمودار شکل (۴)، فاصله گویشی تالشی گونه عنبرانی روستای عنبران اردبیل از سایر مناطق تالش زبان گیلان زیاد است، این فاصله با شاخص فاصله زبانی ۰/۲۲ نسبت به گروه گویشی تالشی جنوبی است. بعد از آن گونه‌های طولارودی و هشتپری از دیگر گونه‌های تالشی شمالی قرار دارند که فاصله گویش آنها ۰/۱۸ است. گروه گویشی دیگر تالشی مرکزی است که دو گونه «خوشابری» و «پره‌سری» از گونه‌های رایج در این مناطق با فاصله گویشی ۰/۱۳ است. آخرین گروه گویشی هم گویش تالشی جنوبی است که دارای سه گونه «ماسالی»، «ماسوله‌ای» و «شفتی» است که در آبادی‌های ماسال، فومن و شفت رایج است و دارای فاصله گویشی ۰/۱۰ است.



شکل (۴): نمودار درخت‌نگار خوشه‌ای زبان‌گونه‌های زبانِ تالشی در غرب استان گیلان

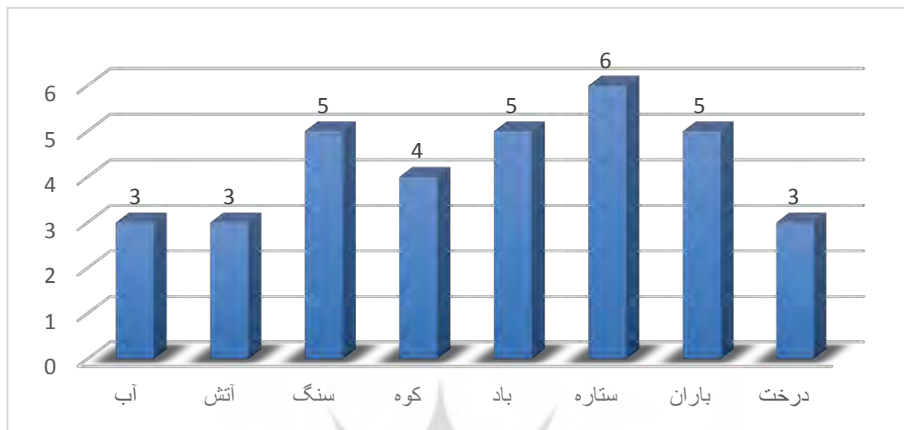
رضایتی (۱۳۸۶: ۱۸) معتقد است تالشی شمالی در جمهوری آذربایجان در ناحیهٔ لنکران، آستارا، لریک، مَسَلّی و یاردِملی، در مناطق تالش‌نشین استان اردبیل (نمین و غنبران)، در گیلان در آستارا و بخش‌هایی از شهرستان تالش رایج است و در قفقاز نیز گویشورانی دارد و مقصود از تالشی شمالی، تالشی آن سوی رود آرس، یعنی تالشی جمهوری آذربایجان است که ادامهٔ آن در ایران تا گرگانرود تالش، پیش رفته است. مراد از تالشی مرکزی، گویش‌هایی است که در قلمرو دو رودخانهٔ ناورود

در شمال و شفارود در جنوب تداول دارد و منظور از تالشی جنوبی، تالشی مناطق میان شفارود تا سفیدرود است.

۵. یافته‌های پژوهش

در بررسی داده‌های پژوهش که در ۱۱ مقوله مذکور مورد بررسی قرار گرفت، نتایج حاصل‌شده نشان می‌دهد که گویشوران زبان تالشی در به‌کارگیری این مقوله‌ها در برخی موارد، دارای تشابهات آوایی و واژگانی هستند و در برخی حوزه‌های دیگر از تنوع آوایی و واژگانی برخوردارند که در ادامه، نتیجه این بررسی‌ها خواهد آمد.

در نخستین مقوله یعنی «پدیده‌های طبیعت» تعداد ۸ واژه مورد بررسی قرار گرفت که از این تعداد ۶ واژه در هر سه گویش زبان تالشی دارای شباهت واژگانی هستند، ولی از تمایز آوایی برخوردارند و ۲ واژه دارای تفاوت واژگانی‌اند. با بررسی تلفظ غالب مشخص شد که فقط واژه‌های «سنگ» و «ستاره» دارای تفاوت واژگانی هستند و در بقیه موارد تلفظ واژه‌ها یا دقیقاً شبیه هم هستند و یا دارای تفاوت آوایی هستند. نمودار (۱) تعداد تلفظ‌های هر واژه و بسامد آن‌ها را نشان می‌دهد.



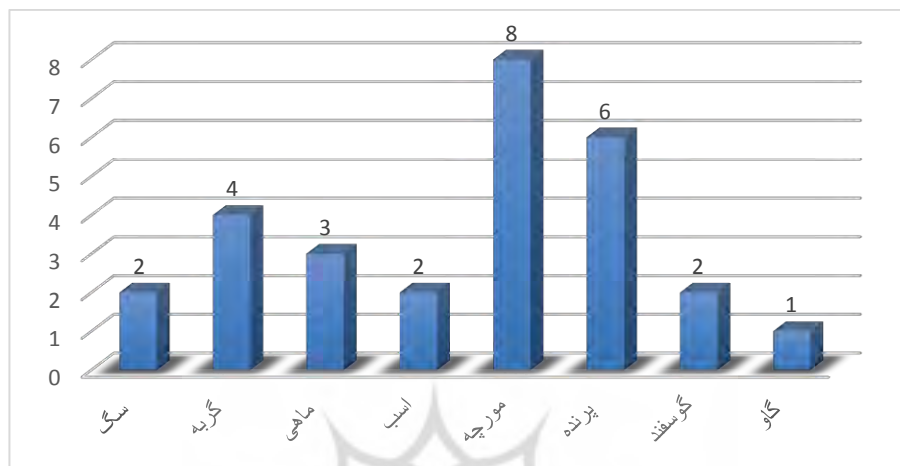
نمودار (۱): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «پدیده‌های طبیعت»

دومین مقوله «اعضای بدن» است که دارای ۸ واژه است. با نگاهی به تلفظ غالب در این مقوله متوجه می‌شویم که اکثر واژه‌های این مقوله تلفظ مشابهی دارند و تنها در برخی موارد دارای تفاوت آوایی با یکدیگرند. در میان این واژه‌ها، تلفظ واژه‌هایی مثل «دهان»، «بینی»، «استخوان» و «ناخن» بسیار نزدیک به هم بود و تلفظ واژه‌های دیگر مثل «چشم»، «دست» و «زانو» تفاوت اندکی با هم دارند. تنها واژه‌هایی که تفاوت واژگانی در آن مشاهده شد واژه «دندان» بود که در برخی موارد به صورت /dændun/ و در مواردی به صورت /gɑz/ تلفظ می‌شود. نمودار ۲ بسامد تلفظ را در حوزه «اعضای بدن» نشان می‌دهد.



نمودار (۲): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «اعضای بدن»

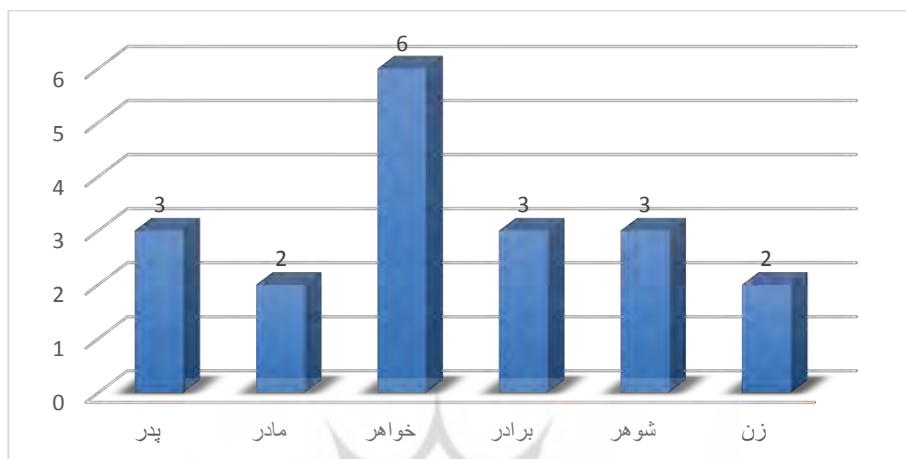
مقوله واژگانی سوم مقوله «حیوانات» است که در این مقوله نیز ۸ واژه مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی تلفظ این واژه‌ها، تلفظ غالب برای واژه‌های «سگ»، «مورچه» «گره»، «اسب» و «گاو» بسیار به هم نزدیک و شبیه هم بوده و تلفظ واژه‌های «گوسفند» و «پرنده» در مواردی با هم تفاوت داشت، به گونه‌ای که در برخی آبادی‌ها، واژه «گوسفند» را /gusænd/ و در برخی دیگر /pæs/ تلفظ می‌کنند و همچنین، واژه «پرنده» به چهار صورت /kidzæ/، /pærændæ/، /mirkæ/ و /muf/ تلفظ می‌شود. بسامد تلفظ‌های این حوزه را در نمودار (۳) مشاهده می‌کنید.



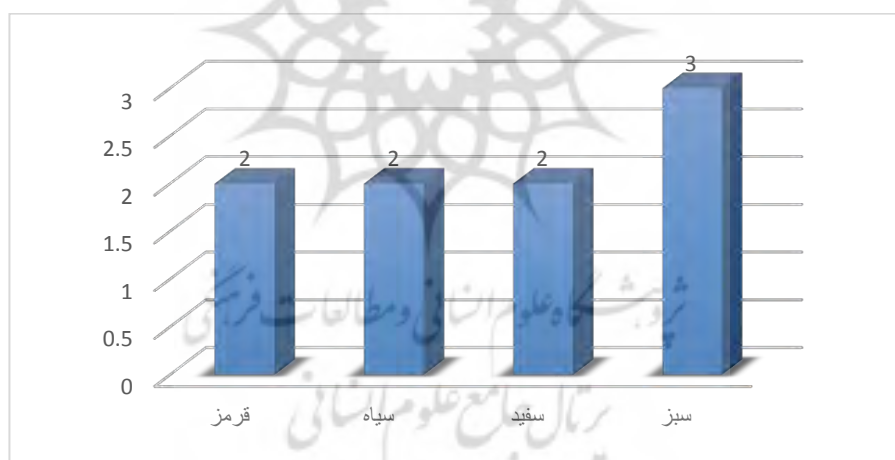
نمودار (۳): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «حیوانات»

مقوله بعدی، مقوله «نسبت خانوادگی» است که تعداد واژه‌های آن ۶ واژه است. در بررسی تلفظ غالب این واژه‌ها مشخص شد که این واژه‌ها اغلب مشابه هم تلفظ می‌شوند و تنها در برخی آواها با هم تفاوت دارند، مثلاً واژه «پدر» در اغلب موارد به صورت /dædæ/ و در برخی موارد به صورت /bæbæ/ تلفظ می‌شود و یا در تلفظ واژه «زن» در اغلب موارد به صورت /zen/ و در برخی موارد هم به صورت /yen/ تلفظ می‌شود. نمودار ۴ بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «نسبت خانوادگی» را نشان می‌دهد.

حوزه واژگانی دیگر مورد بررسی در این پژوهش مقوله «رنگها» میباشد که تعداد واژه‌های آن ۴ واژه است. این واژه‌ها تلفظ مشابهی دارند جز در آبدی «عنبران» که در آنجا واژه «سفید» به جای /isbi/ به صورت /səpi/ و واژه «سبز» به جای /səbz/ به صورت /havz/ تلفظ می‌گردد. نمودار ۵ بسامد تنوعات تلفظی این حوزه را نشان می‌دهد.

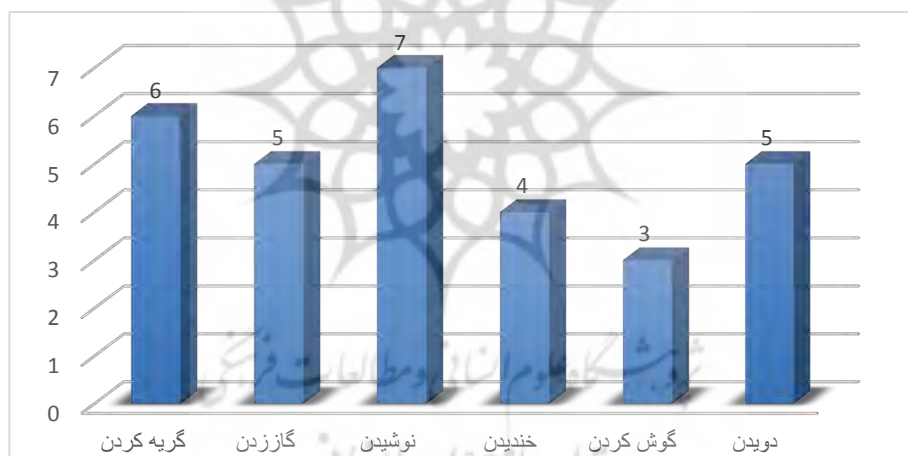


نمودار (۴): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «نسبت خانوادگی»



نمودار (۵): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «رنگها»

مقوله «افعال» بخش بعدی از واژه‌های مورد استفاده در این پژوهش است. تعداد واژه‌های مورد بررسی ۶ واژه بوده است که بررسی‌ها نشان از وجود شباهت آوایی و تفاوت واژگانی است. تلفظ افعالی چون «گوش کردن» و «گریه کردن» تقریباً مشابه است، اما برای سایر افعال تلفظ‌های متفاوتی به کار می‌رود. برای مثال، فعل «دویدن» دارای چهار تلفظ به صورت‌های /vite/، /virite/، /muʃte/ و /tile/ است و فعل «خندیدن» با سه صورت مختلف به صورت /sənje/، /xuruste/ و /xændækærde/ تلفظ می‌شود. نمودار ۶ تعداد تلفظ هر واژه را در حوزه «افعال» نشان می‌دهد.

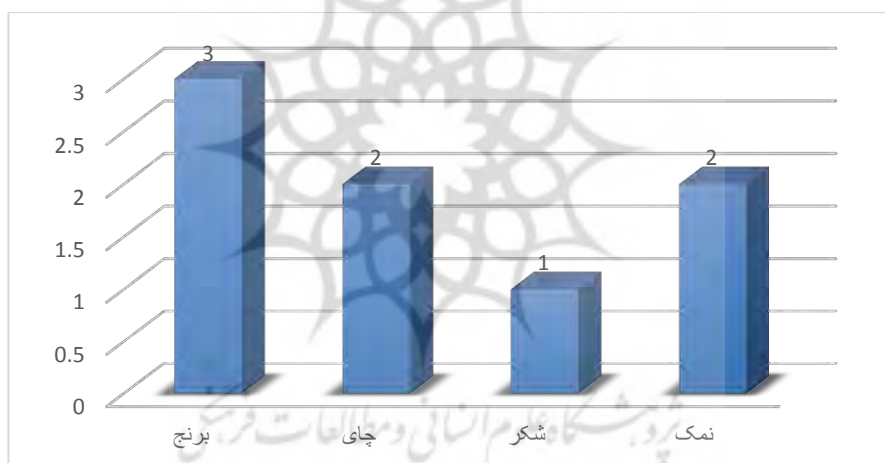


نمودار (۶): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «افعال»

بخش بعدی از مقولات در برگیرنده «مواد غذایی» است که ۴ واژه را دربرمی‌گیرد. این واژه‌ها در اکثر موارد دارای شباهت آوایی هستند و تنها در برخی موارد تفاوت در یک آوا مشاهده می‌شود و تفاوت واژگانی در آنها مشاهده نشده

است. برای مثال، واژه «برنج» در اغلب آبادی‌ها به صورت /bərz/ و در برخی نیز به صورت /bərɟ/ یا /bərɟz/ تلفظ می‌شود و یا واژه «چای» در بسیاری از آبادی‌ها به صورت /tʃæy/ و در بعضی از آبادی‌ها نیز به صورت /tʃæy/ تلفظ می‌شود. واژه «شکر» در همه آبادی‌ها به صورت /ʃækær/ تلفظ می‌گردد.

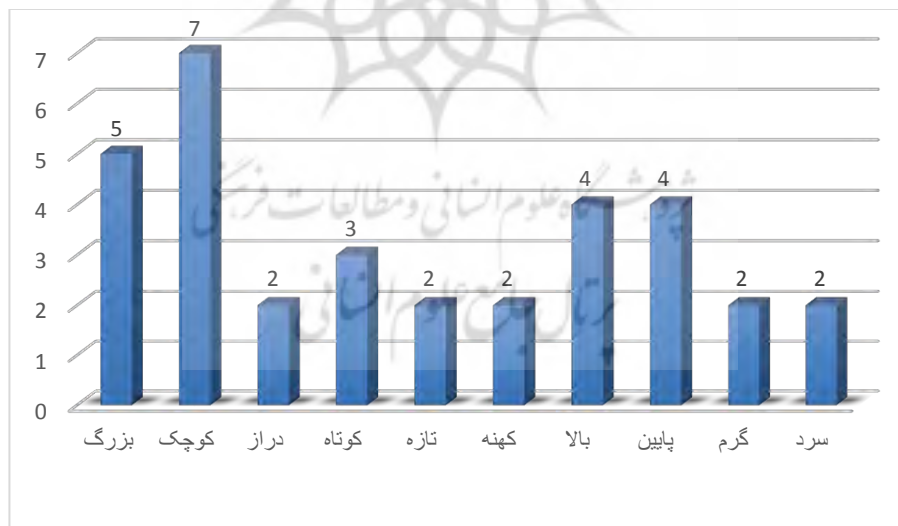
آخرین واژه، یعنی «نمک» هم در اکثر آبادی‌ها به صورت /nəmek/ و بعضی از آنها به صورت /nimek/ تلفظ می‌گردد. در نمودار ۷ تنوعات تلفظی حوزه مواد غذایی را مشاهده می‌کنید.



نمودار (۷): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «مواد غذایی»

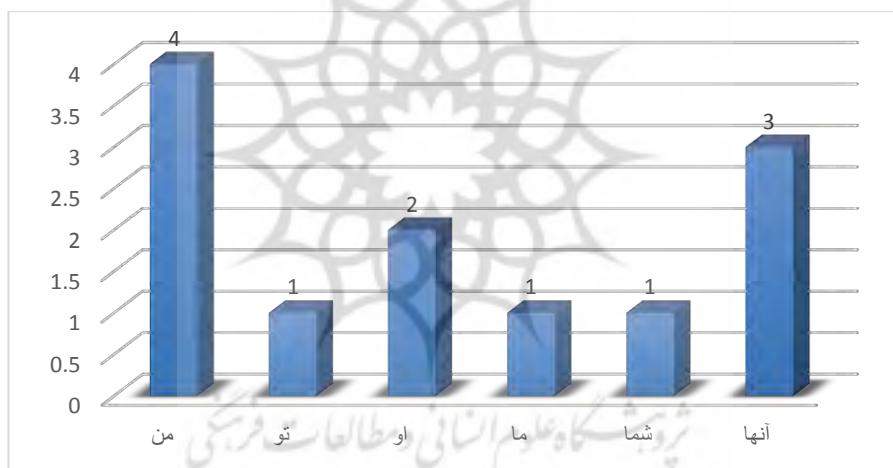
مقوله «صفات» هشتمین مقوله مورد بررسی در این پژوهش است که شامل ۱۰ واژه است. با بررسی تلفظ این واژه‌ها مشخص شد که برخی دارای شباهت آوایی و برخی تفاوت آوایی دارند و برخی نیز دارای تفاوت واژگانی هستند. برای مثال واژه

«بزرگ» در آبادی‌های تالش و رضوانشهر به صورت /jól/ یا /jal/ تلفظ می‌شود ولی در آبادی‌های شهرستان‌های ماسال، فومن و شفت به صورت‌های /lól/، /pɪl/ و /pɪlæ/ تلفظ می‌گردد. صفت «کوچک» نیز از تنوع واژگانی برخوردار است، به طوری که بسامد واژگانی این واژه بیشتر به صورت /ruk/، /gəʃ/ و در برخی مکان‌ها به صورت /gəs/، /gunlu/ یا /gædæ/ تلفظ می‌شود. واژه «بالا» در اکثر آبادی‌ها به صورت /kæfa/ تلفظ می‌شود، ولی در تالشی شمالی به دو صورت /jape/ یا /sape/ بیان می‌گردد. صفت دیگری که از تنوع واژگانی برخوردار است، واژه «زیر» است که در اکثر نقاط به صورت /dʒɪr/ و در بعضی آبادی‌ها به ویژه آبادی‌های شهرستان تالش، به صورت‌های /javi/، /geivi/ و /saru/ تلفظ می‌شود. سایر صفات این بخش از شباهت زیادی در تلفظ برخوردارند. نمودار ۸ تنوعات تلفظ واژه‌های بخش «صفات» را نشان می‌دهد.



نمودار (۸): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «صفات»

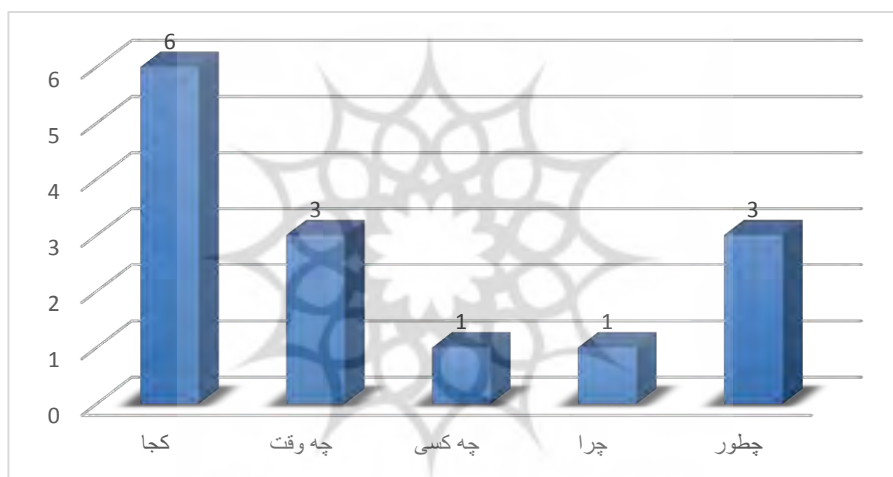
حوزه معنایی دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، مقوله «ضمایر» است که ۶ واژه را در بر می‌گیرد و همه آن‌ها ضمایر فاعلی هستند. در بررسی تلفظ این واژه‌ها مشخص شد که ضمایر «تو» /tə/، «ما» /æmə/ و «شما» /ʃəmæ/ دارای یک صورت تلفظی هستند و در همه آبدی‌ها یکسان تلفظ می‌شوند، ولی ضمیر «من» دارای چهار صورت /æz/، /mən/، /mə/ و /ɑz/ و واژه «او» دارای دو صورت /æv/ و /æ/ و ضمیر «آنها» به سه صورت /æveɪ/، /æven/ و /ævun/ تلفظ می‌شود. نمودار ۹ تعداد بسامد تلفظی این حوزه را نشان می‌دهد.



نمودار (۹): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «ضمایر»

مقوله دهم از مقولات مورد بررسی در این پژوهش، مقوله «پرسشواژه‌ها» است که دارای ۵ واژه است. از میان این پرسشواژه‌ها دو واژه «چه کسی» /ki/ و «چرا» /ʃərə/ دارای یک صورت تلفظی هستند، اما سایر واژه‌ها دارای تنوع واژگانی

هستند، به طوری که برای واژه «کجا» در شش صورت /kæydæ/، /kiyɑ/، /kɑ/ و /kæyɑ/، /kiyɑdæ/، /kuræ/ و /kæynɪ/ و /kæy/ و /keynæ/ و برای واژه «چطور» از سه صورت تلفظی /tʃætæ/ و /tʃəntæ/، /tʃənə/ استفاده می‌گردد. در نمودار ۱۰ تعداد تلفظ هر واژه از بخش «پرسشواژه‌ها» را مشاهده می‌کنید.



نمودار (۹): بسامد تنوعات تلفظی حوزه معنایی «پرسشواژه‌ها»

آخرین مقوله‌ایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، مقوله «جملات» است. در این قسمت از ۷ جمله استفاده شده است. با بررسی تلفظ این جملات مشخص شده که برخی جملات یکسان و مشابه و بدون تغییر در جابجایی عناصر جمله بیان شده‌اند، اما در برخی جملات تغییراتی در جابجایی برخی واژه‌ها در گویش‌های سه گانه تالشی مشاهده می‌شود. برای نمونه در بیان جمله «چه روز

خوبی!» شاهد جابجایی صفت و موصوف در گویش برخی از مکان‌ها و آبادی‌ها هستیم که در ذیل آمده است:

| | | | |
|----|-----|--------|-------|
| 1) | tʃə | ruze | tʃakɪ |
| | چه | روز | خوبی |
| 2) | tʃə | xubæ | ruzi |
| | چه | خوبی | روز |
| 3) | tʃə | qæʃæŋæ | ruzi |
| | چه | خوبی | روز |
| 4) | tʃə | tʃakæ | ruzi |
| | چه | خوبی | روز |

«چه روز خوبی!»

همان‌طور که در مثال‌های فوق مشاهده می‌شود، صفت «خوب» به سه صورت آمده که عبارتند از: /xub/، /qæʃæŋ/ و /tʃak/، اما در نمونه‌های ۲، ۳ و ۴ صفت قبل از موصوف آمده که مطابق با نحو زبان تالشی است (حاجت‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۸)، اما در نمونه ۱ صفت بعد از موصوف به کار رفته که مطابق نحو زبان فارسی است و این امر نشانگر تأثیر نحو زبان فارسی بر زبان گویشوران زبان تالشی است. از ویژگی‌های دیگر بررسی جملات تغییر در نشانه مالکیت در سه گویش زبان تالشی است که در جمله «این باغ سیب من است»، در مثال‌های زیر قابل مشاهده است:

| | | | | |
|----|-----|--------|------|----------|
| 5) | əm | sɪfæ | bɑq | ʃəmənʃnæ |
| | این | سیب | باغ | من است |
| 6) | əm | ʃəmən | səfæ | bɑqe |
| | این | من است | سیب | باغ |
| 7) | əm | səfæ | bɑq | ʃəməne |
| | این | سیب | باغ | من است |

«این باغ سیب من است.»

در نمونه‌های شماره ۵ و ۷ نشانه مالکیت «مال من» بعد از «باغ سیب» آمده است، ولی در نمونه ۶ این نشانه بعد از آن به کار رفته است. به نظر می‌رسد هر دو الگو در زبان تالشی رایج است و هر دو حالت برای گویشوران قابل درک است. با بررسی نمونه جمله‌های دیگر به ویژگی‌های دیگری هم می‌توان دست یافت که در نوع خود جالب و قابل توجه است. از جمله این ویژگی‌ها متصل شدن نشانه فعلی به صفت یا پرسشواژه است که در نمونه‌های زیر مشاهده شده است:

| | | |
|-----|-----|---------|
| 8) | æli | kæydæ |
| | علی | کجاست |
| 9) | æli | kurændæ |
| | علی | کجاست |
| 10) | æli | kɪyɔræ |
| | علی | کجاست |
| 11) | æli | kɑmændæ |
| | علی | کجاست |

«علی کجاست؟»

| | | |
|-----|------------|-----------|
| 12) | siyɑ æŋəɾ | fine |
| | سیاه انگور | شیرین است |
| 13) | siyɑ æŋəɾ | ʃɪɾɪnæ |
| | سیاه انگور | شیرین است |
| 14) | siyɑ æŋəɾ | ʃɪɾæyæ |
| | سیاه انگور | شیرین است |

«انگور سیاه شیرین است».

با نگاهی به این صورت‌های مختلف جمله «علی کجاست» می‌توان دریافت که فعل «است» به صورت واژه‌بست^۱ به پرسشواژه «کجا» متصل شده است. این نشانه فعلی درآبادی‌های مختلف به صورت /dæ/ در /kæyɔdæ/، /ændæ/ در /ændæ/، /ræ/ در /kiyɔræ/ و /mændæ/ در /kɑmændæ/ ظاهر شده است، اما در بیان جمله «انگور سیاه شیرین است» فعل «است» به دو صورت /æ/ و /e/ به صفت یا پرسشواژه متصل شده است. با بررسی این نمونه‌ها می‌توان به این نتیجه کلی دست یافت، که در زبان تالشی فعل «است» به صورت /æ/ می‌آید و می‌تواند به صفت و پرسشواژه متصل شود و در برخی موارد که دو واکه در کنار هم قرار می‌گیرند، به دلیل سهولت در تلفظ، آواهای میانجی مثل /d/، /r/ و /y/ بین فعل «است» و واژه قبل از آن به کار می‌رود (kiya+r+æ).

1. clitic

۶. نتیجه‌گیری

از نتایج تحلیل انبوهه و نیز نمودارها و نقشه‌هایی که بر پایه فاصله زبانی ترسیم شده‌اند و همچنین از بررسی دادگان پژوهش می‌توان دریافت که در هر حوزه از حوزه‌های مورد بررسی در قلمرو پژوهش، تشابهات آوایی و واژگانی و همچنین تفاوت‌ها و تنوعات آوایی و واژگانی وجود دارد. این تشابهات و تفاوتها سه منطقه متفاوت را از نظر لهجه، در حوزه غربی استان گیلان در مورد زبان تالشی برای ما مشخص می‌کند که عبارتند از تالشی شمالی، تالشی مرکزی و تالشی جنوبی.

با بررسی تمام شواهد و قرائن موجود در این پژوهش که به بررسی گویش‌سنجی گونه‌های زبان تالشی می‌پردازد، می‌توان نتیجه گرفت که هر یک از این گویش‌ها در مناطق مشخصی تکلم می‌شود. همچنین از نتایج دیگر این پژوهش، تنوع واژگانی و آوایی موجود در نقاط مورد مطالعه است، به طوری که در برخی موارد برای یک واژه چهار تا پنج معادل یا تلفظ در نقاط مختلف به دست آمد، که نشان از تنوع واژگانی این گویش‌هاست و این امر درک گویشوران از زبان یکدیگر را با مشکل روبرو می‌کند.

با بررسی فراوانی دادگان پژوهش مشخص شد که بیشترین فراوانی مربوط به واژه‌های «گاو» با تلفظ /ga/، «شکر» با تلفظ /ʃækær/، «ما» با تلفظ /æmæ/، «شما» با تلفظ /ʃəmæ/، «تو» با تلفظ /tə/، «چرا» با تلفظ /ʃərə/ و «چه کسی» با تلفظ /ki/ است، که دارای فراوانی ۱۰۰٪ است، یعنی در تمام ۵۱ آبادی، گویشوران یکسان از یک صورت تلفظی برای اطلاق به این واژه‌ها استفاده کردند.

از طرف دیگر صورت‌های تلفظی برخی واژه‌ها فقط در یک آبادی از سوی گویشوران استفاده شد، که با فراوانی ۲٪، کمترین فراوانی را داشتند و عمدتاً

مربوط به آبادی «عنبران» در استان اردبیل است که از آبادی‌های تالشی شمالی است. تعداد این واژه‌ها ۳۷ واژه است که کل ۸ واژه از مقوله «پدیده‌های طبیعت»، ۴ واژه «دست»، «زانو»، «دندان» و «استخوان» از مقوله «اعضای بدن»، ۴ واژه «سگ»، «ماهی»، «مورچه» و «پرنده»، از حوزه «حیوانات»، ۴ واژه «خواهر»، «مادر»، «پدر» و «برادر» از حوزه «نسبت خانوادگی»، واژه «سبز» از مقوله «رنگها»، ۵ واژه «گریه کردن»، «نوشیدن»، «خندیدن» و «گوش کردن» از مقوله «افعال»، ۸ واژه «کوچک»، «کوتاه»، «تازه»، «کهنه»، «سرد»، «گرم»، «پایین» و «بالا» از بخش «صفات»، ۲ واژه «من» و «آنها» از مقوله «ضمایر» و ۲ واژه «کجا» و «چه وقت» از مقوله «پرسشواژه‌ها» از جمله این واژه‌هاست.

از نکات دیگر این پژوهش تأثیر سن گویشوران مورد مصاحبه در به‌کارگیری و استفاده از زبان و گویش محلی آن‌هاست، یعنی هر چه سن گویشوران بالاتر است، استفاده از واژه‌های اصیل محلی نیز بیشتر است و در مقابل، گویشوران با سن کم و عمدتاً دانش آموز گرایش بیشتری به استفاده از واژه‌های فارسی دارند.

منابع

- امیریان بودالولو، ربابه. (۱۳۸۴). *گوش تالشی عنبران*. تهران: نشر جامعه‌نگر.
- آرانسکی، یوسیف، م. (۱۳۷۸). *زبانهای ایرانی*. ترجمه دکتر علی اشرف صادقی. تهران: انتشارات سخن.
- بازن، مارسل. (۱۳۶۷). *تالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران*. ترجمه مظفرامین فرشچیان. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

- پورشفقی، مریم. (۱۳۸۵). *توصیف دستگاه فعل در گویش تالشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی*. دانشگاه گیلان.
- حاجت‌پور، حمید. (۱۳۸۳). *زبان تالشی، گویش خوشابور*. رشت: نشر گیلکان.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبانهای ایرانی*. ۲ جلد. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- رحیمی جوکندان، آرش. (۱۳۸۵). *توصیف صرفی گویش تالشی جوکندان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم. (۱۳۸۲). «مصدر و ساختمان آن در گویش تالشی». *مجله تحقیقات تالش*. ۹ و ۱۰: ۱۱-۲۱.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم. (۱۳۸۶). *زبان تالشی توصیف گویش مرکزی*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- رفیعی جیردهی، علی. (۱۳۸۶). «فعل پیشوندی در تالشی». *ادب پژوهی*. ۱: ۱۰۷-۱۲۶.
- سبزه‌علی‌پور، (۱۳۸۹). جهان‌دوست. «نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلخال». *ادب پژوهی*. ۱۳: ۱۰۹-۱۴۰.
- شیخ سنگ‌تجن، شهین. (۱۳۸۰). *بررسی عناصر واج‌شناختی گویش تالشی ماسال*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- شیخ سنگ‌تجن، شهین. (۱۳۹۴). *بررسی واج‌شناسی غیر خطی در آواهای گویش تالشی*. رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- عبدلی، علی. (۱۳۶۹ الف). *تالشی‌ها کیستند؟*. تهران: ققنوس.
- عبدلی، علی. (۱۳۶۹ ب). *تات‌ها و تالشان*. تهران: ققنوس.
- عبدلی، علی. (۱۳۸۰). *فرهنگ تطبیقی تالشی، تاتی، آذری*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عزیززاد، ساسان. (۱۳۸۴). *توصیف وندهای اشتقاقی و تصریفی در گویش تالشی اسالمی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبائی.

- کمالی عنبران، رؤیا. (۱۳۹۶). «بررسی فرایندهای واجی گویش شمالی زبان تالشی (گونهٔ عنبرانی)». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. ۳/۲: ۱۸۵-۱۹۷.
- ملایی پاشایی، سیف‌الله. (۱۳۹۳). *گویش سنجی رایانشی دامنهٔ شمالی البرز مرکزی بر پایهٔ الگوریتم لونتشتین: تدوین یک اطلس زبان‌شناختی*. رسالهٔ دکتری زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- میرزاپور، فاطمه. (۱۳۹۰). *بررسی پدیدهٔ دو یا چندزبانگی در جغرافیای قومی تالش*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.
- نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۷۴). *بررسی گویش تالشی طاسکوه ماسال*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۸۴). «دستگاه واجی گویش تالشی و کاربرد آن در تحلیل بعضی خصوصیات فارسی جدید». *مجلهٔ زبان‌شناسی*. ۱/۲۰: ۳۹-۵۶.
- Asatrian, G. & H. Borjian. (2005). *Talish and Talishis*. Yervan: University Press.
- Chambers, J. K. & P. Trudgill. (2004). *Dialectology*. 2nd edition). Cambridge: University Press.
- Goebel, H. (2010). "Dialectometry and quantitative mapping". In A. Lameli, R. Kehrein, & S. Rabanus (Eds.), *Language and Space: An International Handbook of Linguistic Variation*. Vol. 2: **Language Mapping**. Berlin/New York: De Gruyter Mouton. 433-457.
- Hakob, A. (2010). *Enclitic Pronouns in the Anbaran Dialect of the Talysh Language*. Yerevan: University Press.
- Heeringa, W. (2004). *Measuring Dialect Pronunciation Differences Using Levenshtein Distance*. Groningen Dissertations in Linguistics 46. PhD thesis, University of Groningen.
- Kruskal, J. & M. Wish. (1984). *Multidimensional Scaling*. London: Sage.
- Miller, B. V. (1953). *Talyškij jazik* [The Talyshi Language]. Moskova: Izd-vo Akademii nauk SSSR.
- Schulze, W. (2000). *Indo-European Languages: Northern Talyshi: Language of the World Materials*. Muenchen: Lincom Europa.
- Yarshater, E. (1996). "The Taleshi of Asalem". *Studia Iranica*. 25 (1): 83-113.